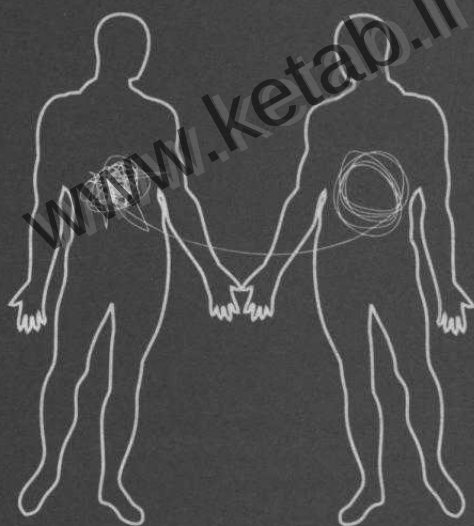


هرمنوتیک پزشکی و
پدیدارشناسی سلامت
گام‌هایی به سمت فلسفه‌ی طبابت



فردریک اسونوس
ناصر مؤمنی



سرشناسه: اسونوس، فردریک / Svenaeus, Fredrik

عنوان و نام پدیدآور: هرمنوتیک و پدیدارشناسی سلامت: گام‌هایی به سمت فلسفه طبابت /

پدیدآورنده فردریک اسونوس؛ مترجم: مومنی، ناصر

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی ...، روزگار نو، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۴۲۳ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س ۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۰۰-۱۸-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: عنوان اصلی: The hermeneutics of medicine and the phenomenology of

health : steps towards a philosophy of medical practice, 2001 یادداشت: واژه‌نامه.

کتابنامه: ص. ۳۷۷ - ۳۹۸.

عنوان دیگر: گام‌هایی به سمت فلسفه طبابت.

موضوع: پزشکی -- فلسفه

موضوع: اخلاق پزشکی

Medical ethics: موضوع:

موضوع: هرمنوتیک

Hermeneutics: موضوع:

شناسه افزوده: مومنی، ناصر، ۱۳۶۱-، مترجم

رده‌بندی کنگره: R۷۲۳

رده‌بندی دیویی: ۶۱۰/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۲۲۰۴۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نویسنده: فردریک اسونوس

مترجم: ناصر مؤمنی

ویراستار: ریحانه قراباغی

ناشر: بگه روزگار

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

ناظر چاپ: حسین نظری

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۰۰-۱۸-۴

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

📍 خیابان طالقانی، خیابان سرپرست جنوبی، کوچه پارس، پلاک ۱

📞 ۸۸۸۰۷۱۸۸

🌐 www.Rpub.ir

📧 @roozegareno.pub

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

۷ | مقدمه مترجم: فلسفه پزشکی یا فلسفه در پزشکی

۱۳ | پیشگفتار

۱۷ | سپاس‌گزاری

۲۳ | مقدمه

۳۹ | مواجهه بالینی

۴۱ | ظهور سنت غربی پزشکی

۴۸ | رابطه پزشک-بیمار در پزشکی غربی پیشا-مدرن

۶۰ | تولد پزشکی جدید

۷۳ | فناوری پزشکی

۸۱ | ملاقات پزشکی جدید: موفقیت و بحران

۹۲ | تحقیق درباره مواجهه بالینی در قرن بیستم

۱۰۲ | پس‌زمینه اجتماعی و فرهنگی

۱۱۶ | فلسفه پزشکی

۱۲۷ | پدیدارشناسی سلامت و ناخوشی

۱۲۸ | سنت باستان

۱۳۳ | نظریه آمار زیستی: بورس

۱۴۳ | نظریه کل گرایانه: نوردنفلت

۱۵۸ | پدیدارشناسی هوسرل

۱۶۴ | پدیدارهای سلامت و ناخوشی

۱۷۲ | پدیدارشناسی هیدگر

۱۸۴ | سلامت به عنوان در-جهان-بودن خانه‌گون

۱۹۰ | خانه‌گون‌بودن به منزله نبض زندگی

۲۰۲ | توانایی کنش و فهم هم‌نوا

۲۱۴ | بدن زیسته و ابزار معیوب

۲۲۷ | سلامت و پدیدارشناسی: پزشکی و هرمنوتیک

۲۳۷ | هرمنوتیک پزشکی

۲۴۲ | تبیین و فهم

۲۵۸ | هرمنوتیک: انتخاب گادامر

۲۶۶ | پزشکی و هرمنوتیک

۲۷۶ | ریکور: متنیت و روایت در پزشکی

۲۸۷ | ملاقات پزشکی: تفسیر توسط گفت‌وگو

۳۰۰ | زیست جهان‌ها و افق‌های موجود در ملاقات پزشکی

۳۱۰ | هدف ملاقات پزشکی

۳۱۹ | هرمنوتیک پزشکی: بحث و بازخوانی

۳۲۵ | در میان واقعیات و هنجارها: تحلیل توصیفی و هنجاری در فلسفه پزشکی

۳۳۶ | اظهارات پایانی و طرح‌های آتی: رویکرد به اخلاق پزشکی از منظر یافتگی

۳۴۳ | خلاصه

۳۵۱ | واژه‌نامه

۳۵۷ | نماییه

مقدمه مترجم: فلسفه پزشکی یا فلسفه در پزشکی؟

اگر تقابل و موضع‌گیری علیه فلسفه را یکی از تعینات تاریخ (علوم انسانی) بدانیم، موضع‌گیری‌ای که به انحای مختلف در موقعیت‌های مختلف صورت گرفته و می‌گیرد، قطعاً نسبت فلسفه و پزشکی نیز یکی از همین موضع‌گیری‌ها است. البته در هر موضع‌گیری بیش از آنکه مسئله حق و ناحق بودن مطرح باشد، امری عمیق‌تر نهفته است: امری وجودی و واقعی که حاکی از بحران یا حداقل وجود رابطه و نسبتی واقعی است. نمی‌خواهم فلسفه را به یک جنگ و جدال لفظی یا کشمکشی بر سر قدرت محدود کنم؛ لیکن باید روشن نمود که اگر فلسفه را به رشته و زمینه‌ای مانند پزشکی مرتبط می‌کنیم، هدفی بیش از به انقیاد درآوردن پزشکی تحت حکومت فلسفه را در سر می‌پرورانیم. قطعاً بخشی از خصومتی که هم‌اکنون بیش از هر زمان دیگری از این قبیل مطالعات و رویکردها و به‌طور کل از فلسفه به مشام می‌رسد، به تمایل انسان به خصومت ورزیدن برمی‌گردد. خصومت صرفاً شمشیر از نیام برکشیدن و قلع و قمع کردن نیست. خصومت، هر نوع

حالت وجودی و نحوه‌ای از بودن ما در جهان و با دیگران بودن به قیمت آزار دیگری، نادیده گرفتن وی یا حرف و حدیث او است. خصومت در رفتار ما، گفتار ما و در طرز نگاه کردن ما است؛ حتی اگر لبخندی به لب داشته باشیم. منظور وجود کینه‌ای پنهانی در درون نهاد ما نیست که مزورانه در پس لبخندی پنهان نگاه می‌داریم؛ منظور عدم توجه به وجود انسانی طرف مقابل و در نهایت طبیعت انسانی وی است. منظور این است که کسی را که در برابر ماست صاحب هیچ چیزی ندانیم. او را نه در دوردست‌ها بلکه در بی‌کران‌ها چنان محو بدانیم که حدود مرزی برای دسترسی نداشته باشد. در این جغرافیایی که نقشه آن را سیاست خصومت ورزیدن تعیین مرز می‌کند، هیچ افقی از آشتی و پیوند وجود ندارد. قرار نیست که در آشتی و پیوند، تقابلی وجود نداشته باشد، اما لازمه تقابل، مقابله، گفت‌وگو و نشستن بر سر یک سفره است. فردریک اسونوس تلاش دارد با خوانشی از برخی از مفاهیم فلسفی هرمنوتیک و پدیدارشناسی چنان سفره‌ای را تدارک ببیند تا افرادی در منتهی‌الیه تقابل با هم به مقابله و گفت‌وگو بنشینند؛ اما پیش از آن لازم است چند نکته روشن شود.

فلسفه پزشکی چیزی نیست جز چندوچون در باب دانش و رشته پزشکی؛ دانشی که موضوع آن سلامت است. پس فلسفه پزشکی یعنی چندوچون و بحث و فحص راجع به سلامت. این که سلامت یا سلامتی امری تولیدی است یا این که حالتی است که وضع و برقرار می‌گردد؛ حالتی که بنا به دلایلی از دست رفته است و هم‌وغم پزشک و بیمار اعاده و برقراری مجدد آن حالت است. محل بحث و جدل است. در نزد مردمان کهن و در اعصار گذشته، بیماری محصول عملیات پیچیده نیروهای مزاحم و متداخلی بود که به قول انسان‌شناسانی چون لوی برول و فریز و دیگران بنا بر قوانین آمیختگی، بازنمایی‌های عرفانی و جاندارانگاری بر روح و جسم بیمار وارد می‌شد. تعریف مردمان و اقوامی مانند فیجی از بیماری، «آنکه وارد می‌شود» است. این ورود و این

وارد شده، نیازمند خروج و اخراج توسط کسی بوده که عموماً با علم و آشنایی به قوانین و اسرار عالم، با انجام مراسمات و آیینی خاص دست به اخراج آن نیروی مزاحم و متداخل می‌زد. بیماری در این عالم، امری وجودی و واقعی و هم‌ردیف با موجودات واقعی است. سلامت در این عالم نه تولید که بلکه برقراری و اعاده‌حالتی است از قبل موجود که اساساً حالت پیش‌فرض وجود و در جهان بودن ماست. لذا پزشکی در این عالم بیشتر نقش شفا دهنده‌ای دارد که باعث بهبودی می‌گردد، نه معالجت و درمان‌گری که همچون صنعت‌گر، چیزی را تولید و خلق می‌کند. نظریه اخلاط چهارگانه و تعادل و هماهنگی قوا در نزد بقراط یا گالن نظریه‌ای دیرپا و ریشه‌دار و حاکی از تقابلی اساسی میان این دو دیدگاه است: آیا سلامتی امری است که توسط پزشک یا درمانگر تولید می‌شود یا وضع و حالتی است که مجدداً برقرار می‌گردد؟

پزشکی نیز مانند بسیاری دیگر از رشته‌ها حاکی از دو طرف و دو رابطه است. لیکن اینجا این رابطه بسیار به بی‌ابطگی و بی‌نستی شبیه است تا نسبت و رابطه؛ یکی بیمار و ناخوش احوال است و دیگری که سرحال است و سالم؛ یکی که در بی‌علمی و بی‌دانشی و بی‌خبری از علل وضعیت خود به سر می‌برد و دیگری که عالم به اوضاع است؛ یکی که طالب کمک است و دیگری که بی‌نیاز و غنی است؛ یکی که در یک کلام در ضعف وجودی و دیگری که در قوت و شدت وجودی است. رابطه و نسبت این دو طرف ناهمگون چیست؟ بدیهی است برای برقراری رابطه و نسبت میان این طرفین، باید جغرافیایی ترسیم نمود که بتوان مرزهای این طرفین را به هم نزدیک نمود. ادغام افق‌ها و مرزهای این طرفین، وظیفه‌ای است که فردریک اسونوس تلاش دارد تا با بهره‌گیری از فلسفه هرمنوتیک و پدیدارشناسی مارتین هیدگر و هانس گئورگ گادامر به انجام رساند. برای این منظور وی لازم می‌داند تا سلامت و بیماری را به شیوه‌ای خلاقانه تعریف نماید.